

به نام هستی بخش

شما

یک جوجه اردک زشت نیستید

۱. داستان‌های اعتماد به نفس

۲. داستان‌های هدف

۳. داستان‌های مهارت‌های زندگی

۴. داستان‌های تربیتی برای نوجوانان و جوانان

به کوشش:

مسعود لعلی



سرشناسه	: لعلی، مسعود، ۱۳۵۵ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: شما یک جوچه اردک زشت نیستید/ مؤلف مسعود لعلی.
مشخصات نشر	: تهران: بهار سبز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۹ ص.: مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۳۸۴ - ۳۹ - ۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۰۹.
موضوع	: راه و رسم زندگی - - داستان
موضوع	: موفقیت - - داستان
موضوع	: داستان‌های کوتاه - - مجموعه‌ها
رده‌بندی کنگره	: BF۶۳۷ / ۲J۷۳ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۸۲۵۴۳



شما یک جوچه اردک زشت نیستید

به کوشش: مسعود لعلی

سروراستار: اکبر نعمتی. آتین

ویراستار: طوبی (مهین) اسدالله

طرح جلد: کیانوش سعادت‌مند

امور فنی و هنری: مهسا فتحی

نوبت چاپ: دهم، تابستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سحرگرافیک

چاپ: عطا

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۳۸۴ - ۳۹ - ۰

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه بهشت آیین پلاک ۱۰

تلفن: ۳ - ۲۲۶۲۲۹۰۱؛ کد پستی: ۱۳۱۴۹۶۳۹۹۳

اینستاگرام: @baharesabzpub

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵	سؤال از میکال آنژ.....	۶۶
۱. داستان‌های اعتماد به نفس.....	۱۱	۳. داستان‌های مهارت‌های زندگی...۶۷	
عقاب و کلاغ‌ها.....	۱۳	قدر عمر و جوانی‌تان را بدانید.....	۶۹
میمون‌هایی که «ترسیدن» را یاد گرفتند.....	۱۵	آخرین امتحان.....	۷۰
قورباغه‌هایی که زنده زنده آب‌پز شدند.....	۱۶	به خاطر سوپ ریخته تأسف نخور.....	۷۲
موش‌های شناگری که غرق شدند.....	۱۷	ماهی و پرنده.....	۷۳
سگ‌هایی که یاد گرفتند تلاش نکنند.....	۱۸	داستان پسر و گلدان و سکه بارزش.....	۷۵
برنده‌ها هیچ‌گاه تسلیم نمی‌شوند.....	۲۰	آنچه در دبیرستان نمی‌آموزیم.....	۷۶
پسر ایده‌آل.....	۲۱	مدرسه عشق.....	۷۷
ملکه باش (برای دختران ایران‌زمین).....	۲۲	سودمند باش.....	۸۲
مراسم تدفین نمی‌توانم.....	۲۳	مهارت‌های زندگی برای جوانان (مقاله).....	۸۴
هرگز ناامید نشوید.....	۲۸	فرصت کوتاه.....	۹۹
ویلما ردلف.....	۲۹	مواظب همنشین خود باشید.....	۱۰۱
موانع زندگی.....	۳۲	ایا باقل بوستان واقعی دشوار است؟.....	۱۰۳
قلب شجاع.....	۳۳	۴. داستان‌های تربیتی.....	۱۰۷
مسابقه خرگوش و لاک‌پشت.....	۳۵	عیب‌جویان.....	۱۰۹
شاگردهای تنبل موفق.....	۳۶	ناظر.....	۱۱۰
۲. داستان‌های هدف‌گذاری.....	۳۹	یک روز.....	۱۱۱
آلیس و گربه.....	۴۱	چند دانه برنج.....	۱۱۳
هدف‌دار باش تا کامروا شوی.....	۴۲	هیچ‌وقت نادیده نگیریم.....	۱۱۴
اگر نروم چیزی نصیب نمی‌شود.....	۴۹	پدرم این جور بود وقتی من.....	۱۱۶
داستان کوتاه طرز تهیه موفقیت.....	۵۲	وصیت اسکندر مقدونی.....	۱۱۸
فکر، باور، آرزو، جرأت.....	۵۴	جوان و کرامت نفس.....	۱۲۰
علاقه به کار.....	۵۶	داستان کوتاه مجلس شراب.....	۱۲۲
چه عواملی هدف را تعیین می‌کند؟.....	۵۸	یکی بود یکی نبود، زیر گنبد کبود ...	۱۲۴
عقاب و گردباد.....	۶۱	منابع و مطالعات پیشنهادی.....	۱۲۶
هر آنچه از دست‌تان برمی‌آید انجام دهید.....	۶۵	از مسعود لعلی منتشر شده است.....	۱۲۹

هرگاه به این اندیشیدی که تو یک عقابی؛ به
دنبال رؤیاهایت برو و به یاوه‌های مرغ و
خروس‌های اطرافت فکر نکن.

مقدمه

کوه بلندی بود که لانهٔ عقابی با چهار تخم، بر بلندای آن قرار داشت. یک
روز زلزله‌ای کوه را به لرزه درآورد و باعث شد که یکی از تخم‌ها از دامنهٔ
کوه به پایین بلغزد. برحسب اتفاق آن تخم به مزرعه‌ای رسید که پر از مرغ
و خروس بود. مرغ و خروس‌ها می‌دانستند که باید از این تخم مراقبت کنند
و بالاخره هم مرغ پیری داوطلب شد تا روی آن بنشیند و آن را گرم نگه
دارد تا جوجه به دنیا بیاید.
یک روز تخم شکست و جوجهٔ عقاب از آن بیرون آمد. جوجهٔ عقاب



مانند سایر جوجه‌ها پرورش
یافت و طولی نکشید که جوجه
عقاب باور کرد که چیزی جز یک
جوجه خروس نیست. او زندگی
و خانواده‌اش را دوست داشت
اما چیزی از درون او فریاد
می‌زد که تو بیش از این هستی.

تا اینکه روزی که داشت در مزرعه بازی می‌کرد متوجه چند عقاب شد
که در آسمان پرواز می‌کردند و او می‌گرفتند. عقاب آهی کشید و گفت: ای
کاش من هم می‌توانستم مانند آنها پرواز کنم.

مرغ و خروس‌ها شروع کردند به خندیدن و گفتند: تو خروسی و یک
خروس هرگز نمی‌تواند بپرد.